

یادگاه عالمان دین / ۲

شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

حوزه‌های علوم اسلامی، همواره در پرورش عالمان راستین، مراجع بزرگ، مدرسان والامقام و مربیان توانا و لایق، توفیق‌های فراوانی داشته است که یکی از این نمونه مدرسان و مربیان، مرحوم شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری است.

در تاریخ این قرن فرهنگ اسلامی ایران، در ناحیه خراسان، دو تن از عالمان و مدرسان، با عنوان «ادیب نیشابوری» شهرت یافته‌اند: ۱. میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری م. ۱۳۴۴ق؛ ۲. شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری م. ۱۳۹۶ق. اغلب، به‌هنگامی که «ادیب نیشابوری» می‌گویند، مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری مراد است و چون «ادیب ثانی» گویند، مرحوم استاد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری؛ البته پس از فوت ادیب اول و به‌ویژه در این ۲۰–۴۰ سال اخیر، در حوزه علمیه مشهد و دیگر نقاط خراسان، ادیب نیشابوری، به‌عنوان مرحوم استاد معروف بود وایشان به همین عنوان، بدون قید «ثانی» شناخته بودند.



• ولادت

عالم ربانی، استاد خوش‌نام حوزه علمیه خراسان، شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری در سال ۱۳۱۲ هجری قمری در خیرآباد نیشابور، به دنیا آمد. والده مکرمه ایشان فاطمه نام داشت و والد گرامی ایشان میرزا اسدالله خیاط بود و به اطفال خواندن و نوشتن می‌آموخت. اجداد او از سران ایل اسکندری بودند. جد بزرگ وی به ایران آمد و ریاست را کنار نهاده، زندگی ساده‌ای برگزید.

تحصیلات: شیخ محمدتقی خواندن و نوشتن را نزد والد خود آموخت و تا سن ۱۸ سالگی ادیب در محضر پدر خیاطی آموخت و در سن ۱۸ سالگی به‌دستور پدر عازم مشهد مقدس شد و در نزد دایی خود شیخ محمد کدکنی که از علما و مدرسان بود، به‌مدت سه‌سال دروس مقدماتی را با جدیت کامل فراگرفت و در اواخر سال ۱۳۳۳ ه.ق وارد حوزه درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری گردید. او به این استاد خود بسیار علاقه داشت و از روز اول درس، با وی مانوس شد. از هنگام تلمذ و شاگردی وی تا پایان عمر استاد، حدود هفت سال استفاده علمی برد.

شیخ محمدتقی از محضر میرزا عبدالجواد، کمال استفاده را برد و در آموختن ادبیات عرب، فارسی، منطق، فلسفه، ریاضیات، تفسیر، حدیث، رجال، فقه، اصول، طب، علوم غریبه و علوم جدید رنج‌ها کشید. وی در کسب این دانش‌ها به‌جز میرزا عبدالجواد، از محضر استاید دیگر از جمله آقا میرزا عسکری مشهور به آقابزرگ حکیم (متوفی ۱۳۵۵ ه.ق)، شیخ حسن برسی (متوفی ۱۳۴۰ ه.ق)، شیخ اسدالله یزدی (متوفی ۱۳۵۰ ه.ق)، میرزابقر مدرّس رضوی (متوفی ۱۳۴۳ ه.ق)، آقا سیدجعفر شهرستانی، قوام‌الحکما، مشیرالطبّا و حکیم فاضل خراسانی بهره برد.

تدریس: تدریس او از زمان ارتحال استادش (ادیب اول) آغاز شد: به‌نحوی که کرسی تدریس استادش به او محول شد و در حدود نیم‌قرن به تدریس این علوم پرداخت و تا آنجا مهارت وی اوج گرفت که به ادیب دوم مشهور گردید.

ادیب دوم، به‌حق مانند ادیب اول سالیان بسیار، اعتبار و موقعیت ممتاز علوم حوزه مشهد را در میان حوزه‌های شیعه حفظ کرد. ادیب دوم، متون ادبی، منطق و اصولی از جمله سیوطی، مغنی، شرح مطول، شرح نظام، حاشیه ملاعبدالله، معالم، مقامات‌الحریری، عروض و قافیه را در مدارس خیرات‌خال، سلیمانیه، میرزاجعفر، مسجد ترک‌ها، مسجد گوهرشاد و در سال ۱۳۲۵ شمسی چندماهی در آموزش و پرورش تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۴۱ شمسی با پیشنهاد سید جلال‌الدین تهرانی که شاگرد ادیب اول و استاندار خراسان و نایب‌التولیه وقت آستان قدس رضوی بود، عنوان مدرّس آستان قدّس رضوی را پذیرفت و به‌مدت هفت‌سال در آرمگاه شیخ بهایی به تدریس پرداخت و در زمستان سال ۱۳۴۸ شمسی پایش آسیب دید و از آن پس، تا پایان عمر در منزل خود تدریس نمود.

• شاگردان

ادیب دوم با بیش از نیم‌قرن تدریس در خراسان موفق شد، شاگردان زیادی را در مکتب علمی خویش پرورش دهد. غالب خود را در مشهد مقدس گذرانیده‌اند، فیض شاگردی او را درک کرده‌اند. نام برخی از شاگردان وی عبارت‌ند از: حضرات آیات و حجج اسلام و آقایان: سیدعلی سیستانی، حسین وحید خراسانی، اسماعیل صالحی مازندرانی، سیدمحمد مجتهد سیستانی، سیدجعفر سیدان،



با حضور نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی

دوره توانمندسازی طلاب، روحانیون و ائمه جماعات مدارس آذربایجان شرقی برگزار شد

دوره توانمندسازی طلاب، روحانیون و ائمه جماعات مدارس، با حضور نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی، در محل سالن جلسات مصلاّی اعظم امام خمینی رحمته‌الله تبریز برگزار شد. به گزارش خبرگزاری حوزه، دوره توانمندسازی طلاب، روحانیون و ائمه جماعات مدارس با حضور نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی، مدیرکل حجّت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود حسینی، مدیرکل تبلیغات اسلامی استان آذربایجان شرقی نیز در ادامه، از روحانیون تلاش‌گر در خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت تقدیر کرد و مجموعه آموزش‌ها و تلاش و مجاهدت‌های روحانیون را



فی‌سبیل‌الله دانست و بر لزوم داشتن ارتباط مستمر با دانش‌آموزان تأکید کرد. مسعود سعادت، مدیرکل آموزش و پرورش استان هم در این دوره، با اشاره به دو رسالت خطیر دستگاه تعلیم و تربیت، تحت عناوین آموزش و پرورش، گفت: آموختن ویژگی‌های رفتاری به دانش‌آموزان که فرد را برای زندگی سالم، هدفمند و مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و شرافت‌مندانه، عزت‌مندانه، هدفمند و

مدیرکل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، با تأکید بر اینکه برای خنثی‌سازی اطلاعات نادرست ارائه‌شده توسط دشمنان باید برنامه داشت، برگزاری دوره‌های توانمندسازی هم‌اندیشی و تقویت ارتباط بین دستگاه تعلیم و تربیت و روحانیت را در آموختن شیوه‌های درست جذب و پاسخ‌گویی به مسائل دانش‌آموزان مؤثر دانست.



حجت‌الاسلام ولی‌الله سلیمانی‌فرد در پاییز سال ۱۳۳۷ در روستای ازنی از بخش چهاردانگه شهرستان ساری استان مازندران، در خانواده‌ای کشاورز و در دامن مادری از سلاله زهرا رضی‌الله دیده به جهان گشود. پدرش فیض‌الله و مادرش سیده بی‌بی موسوی نام داشتند.

• تحصیلات

دوره ابتدایی را در دبستان روستای ازنی طی نمود و به‌دلیل علاقه وافری که به مسائل مذهبی داشت، در جلسات سخنرانی وعاظ حضور می‌یافت و عیناً مطالب را در سینه ضبط نموده و برای همسالان خود بیان می‌کرد؛ به‌طوری‌که تحسین عموم را برمی‌انگیخت. همین عامل جرقه‌ای شد که وی پس از طی دوران ابتدایی، جهت فراگیری دروس حوزوی به شهرستان ساری عزیمت نمود و در مدرسه علمیه مصطفی‌خان تحت اشراف مرحوم آیت‌الله شفیعی به تحصیل حوزوی پرداخت. مادر شهید می‌گوید: «در ایام ماه مبارک رمضان، شهید سلیمانی در حسینه روستای ازنی به سخنرانی و نوحه‌خوانی می‌پرداخت که مورد توجه بیش از پیش مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی (امام جمعه فقید کیاسر، جوبیار) قرار گرفت و ایشان شهید را برای هجرت به قم و توشه‌گیری از علما و مراجع بزرگ ترغیب نمود و در نتیجه عازم شهر مقدس قم شد.

پس از هجرت به شهر قم از محضر اساتید بزرگی همچون استاد شهید مرتضی مطهری و آیات عظام مکارم شیرازی و نوری همدانی و... کسب فیض نمود.

• فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی

در عرصه تبلیغ دین با سفر به نقاط مختلف کشور از جمله شیراز، کرمان، خمین، راهدان، اراک، ساری، گرگان و... به افشاکاری و مبارزه علیه رژیم پهلوی می‌پرداخت و با سخنرانی‌های کوبنده و آتشین که هنوز در آذهان مردم نقش ماندگارش باقی است، خشم عمال رژیم طاغوت را برانگیخت تا جایی که همین افشاکاری‌ها سبب شد که ساواک وی را دستگیر کرد و مورد شکنجه قرار داد. زمانی که آزاد شد، از وی سؤال کردند: «خیلی به شما سخت گذشت؟» که در پاسخ گفت: «کاری که برای اسلام باشد، مشکل نیست.» شهید سلیمانی‌فرد علاوه بر مبارزات سیاسی، برای رفع فقر فرهنگی و تبعیض در جامعه آن روز، اقدامات مؤثری از برگزاری کلاس قرآن و احکام برای جوانان در روستای ازنی اقدام به تأسیس کتابخانه در جوار مسجد زادگاهش انجام داد. این کتابخانه به‌ظاهر کوچک ملجأ و پناهگاه جویندگان علم و حقیقت‌علی‌الخصوص جوانان شد. به‌علاوه وی با تهیه جزوات مذهبی و تنظیم و تکثیر نوارهایی با صدای دل‌نشین که مشتمل بر زندگی ائمه رضی‌الله بود، به ارشاد و هدایت جوانان می‌پرداخت.

شهید سلیمانی با پیروزی انقلاب اسلامی، سنگر مبارزه علیه طاغوت را به سنگر سازندگی مناطق محروم تبدیل کرد. پیگیری مستمر او در زمینه عمران روستایی، منجر به تأسیس حمام عمومی توسط جهاد سازندگی در روستای ازنی شد. راینی شهید برای تأسیس و بهسازی مدرسه، نمونه‌ای دیگر از خدمات وی بود.

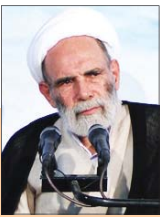
با آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران اسلامی، برگ زرین دیگری از کتاب عشق و حماسه این روحانی فداکار ورق خورد و مبارزاتش رنگ خون گرفت. علاقه وافر این روحانی به اعتلای پرچم اسلام و وطن به‌حدی بود که با داشتن طفلی چندماهه و فرزندکی که چشم‌انتظار به دنیاآمدنش بود و علاقه به همسر فداکارش، مانع از رفتن به جهاد در راه خدا نشد و به‌خاطر خدا، از تمامی علایق دنیوی دست شست. در همان روزهای ابتدایی جنگ، به‌عنوان اولین گروه رزمی تبلیغی روحانیون در معیت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی، عازم جبهه‌های حق علیه باطل شد و مدال پرافتخار شهادت زینت‌بخش وجودش شد.

شهید سلیمانی‌فرد در مدت حضورش در منطقه عملیاتی سرپل‌ذهاب در جبهه‌های غرب کشور، به انجام رسالت تبلیغی و جهادی خود پرداخت.

• شهادت

سرانجام این روحانی وارسته و مبارز خستگی‌ناپذیر، در بیست و دوم مهرماه ۱۳۵۹ در سرپل‌ذهاب به خیل شهدای اسلام پیوست و خاکیان را رها نموده و با جسم و روحش به افلاک پرکشید و همانند ربّحانه رسول‌خدا صلی‌الله مدفنش مخفی ماند و عزیزانش را چشم به راه گذاشت.

• اخلاق در حوزه



انتخاب استاد

آیت‌الله مجتبی تهرانی

در بین تمام محیط‌های چهارگانه، اثرگذاری محیط آموزشی از جهاتی‌تر است. هم از جهت مقطع سنی است که در آن مقطع سنی، معمولاً انسان بیشترین اثرپذیری را دارد که روایاتش را هم خواندم؛ همچنین از جهت نگرشی که شاگرد به استاد دارد که بزرتری علمی استاد اثرگذار است و موجب تقویت اثرگذاری بر انسان میشود.

خصوصاً اگر این برتری همراه با چاشنی محبت هم باشد. چون رابطه بین استاد و شاگرد است، انسان در انتخاب استاد دقت کند و هر علمی که می‌خواهد بیاموزد، این‌طور نباشد که متمرکز شود روی «علیم‌اللسان» که در روایت از علی رضی‌الله خوب تبیین شده بود؛ بلکه از این طرف، کنار تعلیم، تربیت است و این‌ها از هم جداشدنی نیستند.

• تلازم بین تعلیم و تربیت

این‌ها را بحث کردیم که بین تعلیم و تربیت یک نوع تلازم است. در روابط گوناگون آنجایی که تعلیم هست، خواه ناخواه همراهش تربیت نیز هست؛ لذا در هر علمی، بحث علم دین نیست. یک وقت اشتباه نشود؛ نباید فقط سراغ این برود که این درس مشکل است، این استاد هم خوب تدریس میکند و خوش‌بین است؛ پس بروم و از او بیاموزم. چون ممکن است این استادی که خوب تدریس می‌کند، از طرفی مفید باشد؛ ولی از ناحیه‌ای هم مضر باشد و نقش تخریبی داشته باشد.

• ضرورت پرهیز از دانشمندانِ مرزکش

در روایات ما هم روی همین معنا تأکید شده است. روایتی را جلسه گذشته از علی رضی‌الله مطرح کردم که حضرت فرمود: «قَطَعَ ظَهْرُی رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْیَا، رَجُلٌ غَلِیمُ الْبَشَانِ قَاسِیقٍ، دو دسته کمر مرا در این دنیا شکستند؛ یکی همین دانشمندان خوش‌بین؛ انا قاسق است. بعد هم می‌فرماید: «فَاتَّقُوا الْقَاسِیقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ»؛ (بحارالانوار، ۲، ۱۰۶) بپرهیزید و برحذر باشید از این فاسقان دانشمند. یک روایت هم از پیغمبر اکرم صلی‌الله بود که حضرت به علی رضی‌الله فرمودند: «يَا عَلِيُّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَيَّ يَدَيَّ كُلِّ مُتَافِقٍ غَلِیمِ الْبَشَانِ»؛ (بحارالانوار، ۲، ۱۰۶) نابودی و هلاکت امت من، به دست این‌هایی است که خوش‌بیانند؛ انا از نظر عملی، مرزهای الهی را رعایت نمی‌کنند.

• بارزترین و بی‌ارزش‌ترین علم

شخصی خوب درس می‌گوید؛ یعنی همین چیزی که مصب بحث ماست. تعلیم او خوب است؛ اما در مسائل تربیتی، نقش تخریبی دارد؛ در معارف ما از نظر ارزشی به این علم بها نمی‌دهند. در روایات اصلاً به این علمی که او می‌آموزد، بها نمی‌دهند. روایتی است در نهج‌البلاغه که علی رضی‌الله فرمود: «أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَفَّقَ عَلَيَّ الْبَشَانُ»؛ (بارزترین دانش، دانشی است که فقط در زبان جا گرفته باشد. دقت کنید که حضرت «علم» که می‌گوید، علم خاصی را مطرح نمی‌کند. «العلم» اسم جنس است. جنس دانش مذ نظر است؛ فیزیک، شیمی، تاریخ، جغرافی و یا هر علمی را شامل می‌شود.

«وَأَوْضَعَ الْعِلْمَ مَا وَفَّقَ عَلَيَّ الْبَشَانُ»؛ استاد، خوش‌بین است. این همان چیزی است که من جلسه گذشته گفتم در آن روایات بود. بعد هم می‌فرماید: «وَأَوْفَقَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَالْأَرْكَانِ». (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ۹۲) یعنی برترین علم، آن است که در همه اندام هویدا و آشکار باشد. چرا؟ چون رفتار، روش می‌دهد. رفتار، آموزندگی دارد و آموزندگی رفتار، قویتر از آموزندگی زبان است.

• دوراهی انتخاب استاد

دو معلم و دو استاد هستند؛ هر دو یک درس را می‌گویند؛ اما فهمیدنی درسی یکی، برای من آسان‌تر است و دیگری نه؛ فهمیدنِ درسش برای من مشکل است. آن استادی که خوش‌بین است و درس را از او آسان‌تر می‌فهمم، از نظر عملی، اثر سوء روی من دارد؛ اما استاد دیگر این اثر سوء را ندارد. حالا کدام یکی را انتخاب کنم؟ این فشار دارد؛ اما نقش تخریبی ندارد؛ دیگری فشار ندارد؛ اما نقش تخریبی دارد. معارف ما می‌گویند: آن استادی را انتخاب کن که نقش تخریبی ندارد. روایات متعددی داشتیم و یکی‌دو مورد نبود. دلیل آن هم معلوم است. به این دلیل که این مفاهیم، از نظر سیر وجودی من، به درد من نمیخورد. آنچه که در سیر وجودی‌ام به درد من می‌خورد، روش رفتاری و گفتاری است که بنده می‌گیرم. آن است که به درد من می‌خورد. آن است که سازنده شاکله روحی من است. شکل روحی من را تربیت درست می‌کند نه تعلیم.

• تبلیغات به‌نفع علیم‌اللسان‌ها

یکی از چیزهایی که واقعاً مورد تأسف ماست، همین است که جامعه اسلامی است؛ اما تمام توجه‌ها می‌رود به سمت «علیم‌اللسان»؛ متأسفانه الآن در جامعه ما، حرف اول را همین دسته اول می‌زنند؛ یعنی کسانی که از نظر قدرت بیان در سطح بالا هستند؛ ولی از نظر تربیتی اثر منفی و نقش تخریبی دارند. اگر هم کسی غیر از این باشد، او دیگر حرف اول را نمی‌زند؛ بلکه حرف دوم را می‌زند.

اگر استاد خوبی که از نظر تربیتی مناسب باشد، پیدا شود، حرف او در جامعه، حرف دوم است. حرف اول را همان علیم‌اللسان‌ها می‌زنند. ثقل و سنگینی به‌نفع آن طرف است؛ درحالی‌که معارف ما برخلاف واقعیتی است که امروز در جامعه به‌نام جامعه اسلامی می‌بینیم. دیگر نمی‌خواهم توضیح بدهم؛ خودتان ببینید و می‌دانید هم که چگونه تبلیغات شیطانی. لعنت‌الله علیه. برای آن صورت می‌گیرد.